روزنامه طلوع

تاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۹۶ شنبه

صفحه ۶ | شماره ۲۱۷۸ | سال بیست و سوم

ادبی و هنری

عصر یکشنبه با هم به خیابان رفتیم. در کافه همیشگی قهوه‌ای نوشیدیم و بعد قدم‌زنان در مسیر برگشت، از سوپرمارکت چند تکه نان تست، قدری سبزیجات و چند پاکت میوه خریدیم. به خانه که رسیدیم، به آینه قدی کمد جاکفشی که در ورودی ساختمان قرار داشت نگاهی انداختم و گفتم: دوست عزیز من! عصر خوبی را با تو داشتم.

محمدرضا عسکری

مهرسام خیلی پولدار بود کنار خانه او سکویی بود که هر عصر پسری هم سن خودش روی آن می نشست ولی پول‌های او اندازه مهرسام نبود اصلاً حسن کوچولو پولی نداشت و فقیر بود. نزدیک‌های عید بود. مهرسام در دلش گفت: یعنی حسن پولی دارد که برای عیدش لباس بخرد؟ کاش کمکش کنم و برایش لباس عید بخرم. مهرسام به پدر و مادرش گفت: می‌خواهم به حسن کمک کنم و برای او لباس عید بخرم. پدرش قبول کرد و با مهرسام به فروشگاه رفتند و برای حسن کوچولو لباس و شلوار و کفش خریدند. مهرسام رفت تا به حسن کوچولو چیزهایی را که خریده بود بدهد. حسن با دیدن لباس‌های نو خیلی خوشحال شد و از مهرسام تشکر کرد و گفت: از وقتی پدرم فوت کرده مادرم نتوانسته برایم لباس نو بخرد. مادرم همیشه می‌گوید: حسن غصه نخور، خدا بزرگه، هر چی میخوای به خدا بگو تا بهت بده. منم از خدا لباس و کفش نو خواستم که امروز تو برایم خریدی پس تو را خدا فرستاده. اشک در چشمان مهرسام جمع شد و از اینکه توانسته بود دل حسن را شاد کند خوشحال شد و خدا را شکر کرد.

مبینا کاظمی

روزی برگ و بار داشتم و رهگذران زیادی در زیر سایه‌ام استراحت می‌کردند و از میوه‌هایم می‌خوردند. اکنون مدادی هستم در دست یک دانش‌آموز کلاس اولی که مدام مرا می‌تراشد و با من مشق‌هایش را می‌نویسد تا باسواد شود. روزهای آخر زندگیم هست خیلی خیلی کوچک شده‌ام و دیگر آن دانش‌آموز کلاس اولی نمی‌تواند مرا به‌راحتی در دست بگیرد. عمرم رو به پایان است اما خوشحالم چون همیشه با آدم‌های اطرافم مهربان بوده‌ام و کارهای مفید انجام داده‌ام.

محمدرضا شیری

من و علی با هم دوستان خوبی بودیم؛ اما یک روز که فوتبال بازی می‌کردیم سر بازی حسابی دعوایمان شد و با هم قهر کردیم. خیلی ناراحت بودم که با علی قهر کرده‌ام اما رفتارش با من خیلی بد بود و نمی‌توانستم ببخشمش و با او آشتی کنم. یک روز که داشتم جریان دعوایمان را برای دوست دیگرم رضا تعریف می‌کردم. رضا گفت: حسن! ناراحت نباش، فردا بعد از مدرسه علی رو تو کوچه بگیر میارم و حسابی کتکش می‌زنم که دیگه با تو دعوا نکنه. حرف‌های رضا ناراحتم کرد چون دوست نداشتم علی را کتک بزند. خیلی ترسیده بودم. نکند رضا بلایی سر علی بیاورد. موضوع خواب همش در فکر این موضوع بودم که چطور جلوی رضا را بگیرم؟ تا اینکه بالاخره خوابم برد. در خواب غول چراغ جادو را دیدم که از من خواست که آرزوهایم را به او بگویم و او برآورده‌شان کند. من هم گفتم: میخوام با علی دوست بشم تا رضا دیگه کتکش نزنه. غول گفت: اطاعت می‌شود قربان! صبح که بیدار شدم. همه‌اش به خوابی که دیده بودم فکر می‌کردم. وقتی به حیاط مدرسه رسیدم یکدفعه کنترل دوچرخه‌ام از دستم خارج شد و خوردم زمین، همان موقع علی آمد دستم را گرفت و بلندم کرد و همین باعث شد که با هم دوباره دوست شویم و رضا ما را با هم دید و از کتک زدن علی منصرف شد.

پویا امیدوار

سال‌هاست آنجاست. هنوز شعارهای ۲۲ بهمن سال ۵۷ روی تنش هست. «مرگ بر شاه»، «امام آمد»، «شاه رفت»، «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و... هرگاه چشمم به آن دیوار قدیمی می‌خورد به یاد پدربزرگم می‌افتم. مادرم می‌گوید: مرد شجاعی بود. از انقلابیون بوده و در سال‌های جنگ شهید شده است. بااینکه سال‌ها می‌گذرد اما من و خانواده‌ام ۲۲ هرسال در راهپیمایی ۲۲ بهمن شرکت می‌کنیم. این مراسم به معنای اتحاد ما مسلمانان در برابر دشمنان اسلام است. من و دوستانم تصمیم گرفتیم آن دیوار قدیمی را رنگ کنیم و نقش دیگری بر آن بزنیم. از صبح با بزرگ‌ترهایمان شروع کردیم و تا شب تمام شد. پرچم ایران را در وسط دیوار قدیمی مدرسه کشیدیم و بالای آن نوشتیم «پاینده باد ایران».

مریم محجوب

من و مش حسین استارتم را میزنند، بیدار می‌شوم. از صبح تا شب را جابه‌جا می‌کنیم. من و مش حسین با هم هستیم و مسافران سن و سالیم؛ هر دو تقریباً پنجاه سالی عمر از خدا گرفته‌ایم؛ اما مینی‌بوس پنجاه‌ساله کجا و مش حسین پنجاه‌ساله کجا؟ ماشاالله مش حسین خیلی رو‌به‌راه‌تر از من هست. آن روز نمی‌دانم مش حسین چکارش شده بود که مرا این‌قدر تند میراند. لاستیک‌هایم داشت روی آسفالت له می‌شد. تند تند پایش را روی گاز و ترمزم فشار می‌داد که یکدفعه کنترلم از دستش خارج شد و تصادف کردیم. دیگر چیزی یادم نمی‌آید. وقتی به هوش آمدم در تعمیرگاه بودم. استاد مکانیکی مشغول تعمیر کردنم بود. از اینکه زنده بودم خیلی خوشحال شدم اما فکر مش حسین رهایم نمی‌کرد. دل‌شوره داشتم و نگران مش حسین بودم. نکند برای مش حسین اتفاقی افتاده باشد؟ چند روز گذشت ولی از مش حسین خبری نبود. استاد مکانیکی داشت با شاگردش صحبت می‌کرد که صاحب مینی‌بوس بدجوری حالش بد است و در بیمارستان بستری شده. نکند بلایی سرش بیاید؟ آن‌وقت من چکار کنم؟ ما سال‌ها با هم زندگی کرده بودیم و جدایی از یکدیگر برایمان سخت بود. تقریباً یک ماه گذشت. من تعمیرگاه آفتاب می‌خوردم؛ بودم و یک گوشه حیاط تعمیرگاه شده بود. واقعاً خودش هست؟ آره، چشم‌هایم را مالیدم تا ببینم سراغم آمد. از خوشحالی داشتم بال درمی‌آوردم. مش حسین سوارم شد و دستش را روی فرمانم گذاشت و گفت: دیگه باهات تند نمیرم حتی آگه کار مهمی داشته باشم؛ و هر دو با خوشحالی به سمت خانه رفتیم.

از وقتی مش حسین استارتم را میزنند، بیدار می‌شوم. از صبح تا شب را جابه‌جا می‌کنیم. من و مش حسین با هم هستیم و مسافران سن و سالیم؛ هر دو تقریباً پنجاه سالی عمر از خدا گرفته‌ایم؛ اما مینی‌بوس پنجاه‌ساله کجا و مش حسین پنجاه‌ساله کجا؟ ماشاالله مش حسین خیلی رو‌به‌راه‌تر از من هست. آن روز نمی‌دانم مش حسین چکارش شده بود که مرا این‌قدر تند میراند. لاستیک‌هایم داشت روی آسفالت له می‌شد. تند تند پایش را روی گاز و ترمزم فشار می‌داد که یکدفعه کنترلم از دستش خارج شد و تصادف کردیم. دیگر چیزی یادم نمی‌آید. وقتی به هوش آمدم در تعمیرگاه بودم. استاد مکانیکی مشغول تعمیر کردنم بود. از اینکه زنده بودم خیلی خوشحال شدم اما فکر مش حسین رهایم نمی‌کرد. دل‌شوره داشتم و نگران مش حسین بودم. نکند برای مش حسین اتفاقی افتاده باشد؟ چند روز گذشت ولی از مش حسین خبری نبود. استاد مکانیکی داشت با شاگردش صحبت می‌کرد که صاحب مینی‌بوس بدجوری حالش بد است و در بیمارستان بستری شده. نکند بلایی سرش بیاید؟ آن‌وقت من چکار کنم؟ ما سال‌ها با هم زندگی کرده بودیم و جدایی از یکدیگر برایمان سخت بود. تقریباً یک ماه گذشت. من تعمیرگاه آفتاب می‌خوردم؛ بودم و یک گوشه حیاط تعمیرگاه شده بود. واقعاً خودش هست؟ آره، چشم‌هایم را مالیدم تا ببینم سراغم آمد. از خوشحالی داشتم بال درمی‌آوردم. مش حسین سوارم شد و دستش را روی فرمانم گذاشت و گفت: دیگه باهات تند نمیرم حتی آگه کار مهمی داشته باشم؛ و هر دو با خوشحالی به سمت خانه رفتیم.

زهرا مردانی

زهرا کوچولو رفت داخل حیاط که بازی کند اما تنها بود که ناگهان پروانه زیبا و رنگارنگی آمد و چرخی زد و روی بوته‌ی گلی کنار پنجره نشست و به زهرا کوچولو نگاه کرد و گفت: بیا با من بازی کنی؟ زهرا کوچولو خندید و گفت: باشه. پروانه پرواز کرد و روی موهای زهرا کوچولو نشست مثل یک توموبی قشنگ. ساعت‌ها با هم بازی کردند. خیلی به آن‌ها خوش گذشت. از آن روز به بعد همیشه پروانه می‌آمد و با زهرا کوچولو بازی می‌کرد.

مریم غلامی

منتظر داستان و اشعار شما هستیم

لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمائید. ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی‌شود.

toloudaily@gmail.com

کارشناس (این شماره) سرویس ادبی - هنری: **محمدرضا عسکری**

آگهی مناقصه و ارزیابی کیفی

نوع فراخوان : ارزیابی کیفی و مناقصه عمومی یک مرحله ای
شرکت آبفا استان فارس در نظر دارد از طریق ارزیابی کیفی و مناقصه عمومی یک مرحله ای نسبت به انتخاب پیمانکاران واجد شرایط حداقل بارتبه ۵ در رشته آب جهت اجرای بخشی از خطوط فاضلابرو نیمه اصلی و فرعی و انشعابات پراکنده در سطح شهر نورآباد اقدام نماید.
۱) محل پروژه: شهر نورآباد
۲) مدت اجراء پروژه : ۱۵ ماه
۳)محل اخذ اسناد مناقصه و تسلیم پیشنهادات: خیابان قدوسی غربی - نبش خیابان سبحان- شرکت آبفا استان فارس- طبقه ۲- امور قرار دادها
۴) برآورد اولیه: ۱۶/۶۸۵/۴۴۷/۷۷۳ ریال.
۵) تاریخ نهایی اخذ اسناد: ۹۶/۱۲/۰۵
۶) تاریخ نهایی قبول پیشنهادات: ۹۶/۱۲/۱۹
۷) تاریخ کمیسیون بازگشایی پاکات ارزیابی: ۹۶/۱۲/۲۱ و تاریخ بازگشایی پاکات مناقصه : ۹۶/۱۲/۲۳
۸) به پیشنهادهای فاقد امضاء ، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضاء مدت مقرر در مناقصه ارائه شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۹) مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۸۳۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال .
۱۰) قیمت اسناد ۱۵۰۰۰۰۰ (ریال) به حساب ۴۲۸۲۶۵۲۳۸ بانک تجارت به نام مشاور طوس آب.
۱۱) اعتبارات طرح از محل اعتبارات موافقتنامه شماره ۱۵۰۳۰۰۲۱۷۸ می باشد که در صورت عدم وجود نقدینگی اعتبار مورد نیاز پروژه درقالب اوراق بهادار نظیر اسناد خزانه اسلامی، اوراق مشارکت و غیره تامین و در اینصورت هیچگونه پیش پرداختی به پیمانکار پرداخت نخواهد شد.
۱۲) نوع تضمین شرکت در مناقصه: ضمانت نامه بانکی در وجه شرکت آب و فاضلاب استان فارس(سه ماه اعتبار)
۱۳) رعایت دستورالعمل اجرایی ایمنی در پروژه های آب و فاضلاب شهری الزامی است.
۱۴) سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه درج شده است.
۱۵) جهت دریافت اسناد داشتن معرفی نامه و کارت ملی معتبر الزامی می‌باشد.
وب سایت جهت باز بینی آگهی مناقصه www.abfa-fars.ir می‌باشد.
پیمانکاران واجد شرایطی که مایل به شرکت در مناقصه می‌باشند میتوانند با اعلام آمادگی کتبی نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند. با توجه به الزام ثبت اطلاعات مناقصات، کلیه شرکت کنندگان در مناقصه می بایست در پایگاه ملی مناقصات به آدرس http://iets.mporg.ir ثبت نام و کد کاربری دریافت نمایند و همراه با پاکات پیشنهاد خود کد کاربری را تحویل نمایند. ۲۷۴۳۹/م الف ۲۶۲۱۱
تاریخ آگهی نوبت اول ۹۶/۱۱/۲۳ و نوبت دوم ۹۶/۱۱/۲۸

شرکت آبفا استان فارس

آگهی تغییرات شرکت کبیر موتور کازرون شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۵۶۹ و شناسه ملی ۱۰۵۳۰۰۹۸۶۸۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۶/۷/۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
- موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت آبان حساب شماره ثبت ۱۴۰۹۷ تهران به نمایندگی آقای حمید حسینیان به شماره ملی ۰۰۴۷۱۲۷۵۱۱ به سمت بازرس اصلی و آقای مصطفی تقریبی به شماره ملی ۲۳۷۰۴۷۲۲۸۶ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.
- ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال ۱۳۹۵/۱۰/۳۰ مورد تصویب قرار گرفت.
با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس، تصویب ترازنامه و صورت های مالی انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی های سازمان ثبت قابل دسترس میباشد. ۱۶۲۳/ م الف ۶/۲۱۰۰

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان فارس – مرجع ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری کازرون

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان

برابر رأی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۴۰۵۵ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای علی قنواتی نژاد فرزند محمد به شماره شناسنامه ۱۱۸۴ صادره از بهبهان به شماره ملی ۱۸۶۱۲۸۹۸۷۱ در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۸۲/۹۴ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۶۱۲ اصلی واقع در بخش یک بهبهان خریداری از مالک رسمی محمدعلی عارف پور احدی از ورثه بشیر محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت یک ماه از تاریخ اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۸/۴۴۳ م الف ۲۶۲۴۲
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۱۱/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۶/۱۲/۱۳

رئیس ثبت بهبهان–کاظمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۲۴۰۰۴۰۰۱۱۹۹ مورخه ۱۳۹۶/۱۱/۰۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خورموج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد رزمی فرزند غلام بشماره شناسنامه ۷۱۱ صادره از دشتی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۵۱/۹۷ مترمربع پلاک ۴۱۸ فرعی از ۲۱۹۶ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک از ۲۱۹۶ اصلی قطعه ۹ بخش ۵ واقع در روستای لاورشرقی خریداری از غلام رزمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند. می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۹۰۶/م الف
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۱۱/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۶/۱۲/۱۳ ۲۶۲۴۱

علی زنگنه نژاد – رییس واحد ثبتی شهرستان دشتی

آگهی حصر وراثت

آقای محمدحسین شعاع فرزند عباسعلی به شرح درخواستی که به شماره اندیکاتور ۲۴۸ مورخ ۹۶/۱۱/۲۵ این شورا ثبت گردیده درخواست صدور گواهی انحصار وراثت نموده و اعلام داشته که شادروان مرحوم عباس علی شعاع فرزند مرحوم عباسعلی به شماره ملی ۲۳۷۱۶۸۰۰۰۱ – ۱۳۱۸/۳/۳ صادره از کازرون در تاریخ ۹۶/۱۱/۲۱ در اقامتگاه دایمی خود شهرستان کازرون فوت نموده وراث حین الفوت وی عبارتند از: ۱- خانم عزیزه تقی پور کازرونی به شماره ملی ۲۳۷۱۷۴۸۴۲۰- ۱۳۲۹/۱۰/۱ کازرون زوجه دایمه متوفی ۲- محمدحسین شعاع به شماره ملی ۲۳۷۱۹۶۶۷۵۴- ۱۳۵۸/۹/۲۹ کازرون ۳- محمد شعاع به شماره ملی ۲۳۷۲۴۴۸۷۴۹- ۱۳۶۴/۵/۹ کازرون ۴- غلامرضا شعاع به شماره ملی ۲۳۷۲۵۴۹۲۷۸- ۱۳۶۷/۶/۳ پسران متوفی ۵- خانم معصومه شعاع به شماره ملی ۲۳۷۲۰۵۲۵۹۴- ۱۳۶۲/۶/۳ دختر متوفی ۶- خانم فاطمه شعاع به شماره ملی ۲۳۷۱۹۰۵۹۷۶ – ۱۳۵۲/۱/۴ دختر متوفی ۷- خانم توران شعاع به شماره ملی ۲۳۷۱۹۲۱۹۷۱- ۱۳۵۴/۸/۲۴ دختر متوفی ۸- خانم جان بی بی شعاع به شماره ملی ۲۳۷۱۸۹۶۴۳۸- ۱۳۵۷/۶/۲۵ دختر متوفی ۹- خانم زهرا شعاع به شماره ملی ۲۳۷۰۴۶۷۴۹۵- ۱۳۵۷/۶/۲۵ دختر متوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به این شورا مراجعه و تقدیم نماید والا گواهی صادر خواهد شد. ۱۶۲۵/ م الف ۶/۲۱۰۱

زمانی بخش – رییس شعبه چهارم شورای حل اختلاف کازرون

آگهی حصر وراثت

خانم مینا شهیدی دارای شماره ملی ۲۳۷۲۰۸۶۲۹۴ به شرح دادخواست به شماره اندیکاتور ۲۴۷ مورخ ۹۶/۱۱/۲۵ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان یداله شهیدی به شماره ملی ۲۳۷۰۱۹۱۵۳۸ در تاریخ ۹۵/۲/۲۸ در اقامتگاه دایمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- فاطمه بهروزی فرزند ماشاالله ش ملی ۲۳۷۱۶۹۲۱۰۷- ۱۳۱۹ صادره از حوزه کازرون زوجه متوفی ۲- حسن شهیدی فرزند یداله ش ملی ۲۳۷۰۳۶۲۲۸۶- ۱۳۴۴ صادره از حوزه کازرون پسر متوفی ۳- مینا شهیدی فرزند یداله ش ملی ۲۳۷۲۰۸۶۲۹۴- ۱۳۶۳ صادره از حوزه کازرون دختر متوفی ۴- آزاده شهیدی فرزند یداله ش ملی ۲۳۷۰۴۸۵۴۰۱- ۱۳۵۸ صادره از حوزه کازرون دختر متوفی ۵- مهین شهیدی فرزند یداله ش ملی ۲۳۷۰۳۶۲۲۹۴- ۱۳۴۷ صادره از حوزه کازرون دختر متوفی ۶- مرضیه شهیدی فرزند یداله ش ملی ۲۳۷۰۴۴۳۸۷۱- ۱۳۵۵ صادره از حوزه کازرون دختر متوفی ۷- فرشته شهیدی فرزند یداله ش ملی ۲۳۷۰۴۴۳۸۵۵- ۱۳۵۰ صادره از حوزه کازرون دختر متوفی ۸- مژگان شهیدی فرزند یداله ش ملی ۲۳۷۲۵۳۸۳۱۴- ۱۳۶۷ صادره از حوزه کازرون دختر متوفی ۹- مهناز شهیدی فرزند یداله ش ملی ۲۳۷۰۳۶۲۲۷۸- ۱۳۴۲ صادره از حوزه کازرون دختر متوفی ۱۰- آمنه شهیدی فرزند یداله ش ملی ۲۳۷۰۴۳۱۸۵۷- ۱۳۵۲ صادره از حوزه کازرون دختر متوفی ۱۱- مریم شهیدی فرزند یداله ش ملی ۲۳۷۱۸۲۲۵۱۵- ۱۳۳۹ صادره از حوزه کازرون دختر متوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به این شورا مراجعه و تقدیم نماید والا گواهی صادر خواهد شد. ۱۶۲۴/ م الف ۶/۲۱۰۲

زمانی بخش – رییس شعبه چهارم شورای حل اختلاف کازرون

آگهی مزایده اموال غیرمنقول

اجرای احکام حقوقی دادگستری کازرون به موجب محتویات پرونده ۹۶۰۵۶۷ اجرایی مبنی بر دستور فروش له فاطمه برادری علیه علی موحد و با استناد به فصل سوم قانون اجرای احکام مدنی راجع به فروش اموال غیرمنقول مبادرت به مزایده یک باب خانه تحت پلاک ثبتی ۷۲/۱۰۷ قطعه ۴ بخش ۷ فارس واقع در کازرون کمربندی خرمشهر باغ آسیایی خیابان شهید ابراهیم باقرزاده کوچه گل نیلوفر ۶ کدپستی ۷۹۱۹۸- ۷۳۱۸۸ به مساحت عرصه ۲۵۳ و اعیان طبقه هم کف ۱۷۰ مترمربع و زیرزمین ۳۵ متر مربع می نماید.لذا بدین وسیله به اطلاع عموم می رساند کسانی که مایل به خرید باشند روز یکشنبه ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ ساعت ده صبح در این اجرا حاضر و قیمتهای پیشنهادی خود را ارایه نمایند. قیمت پایه فروش مبلغ ۲/۳۱۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال می¬باشد. شخصی که بالاترین قیمت پیشنهادی را ارایه نماید برنده مزایده خواهد بود و موظف به پرداخت ده درصد قیمت پیشنهادی در جلسه مزایده خواهد بود. مزایده با حضور نماینده دادستان برگزار خواهد شد و متقاضیان می توانند پنج روز قبل از برگزاری مزایده جهت اطلاع بیشتر و در صورت لزوم مشاهده ملک به این واحد مراجعه نمایند. هزینه های نقل و انتقال نیز به عهده خریدار می باشد. این آگهی به موجب ماده ۱۱۸ قانون اجرای احکام مدنی برای نوبت دوم در یکی از روزنامه¬های محلی درج و منتشر می گردد. ۱۶۲۶/ م الف ۶/۲۱۰۳

دادرس اجرای احکام حقوقی دادگستری کازرون – روستا

آگهی مزایده مال غیرمنقول

برابر آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی و به موجب پرونده اجرایی کلاسه ۱۳۹۶۰۴۰۱۱۱۲۱۰۰۰۷۴۳ این اداره، له ابوالفضل زارعی علیه محمدرضا خواجه موضوع چک شماره ۳۰۱/۱۳۸۰۳۹۸- ۱۳۹۶/۳/۲۸ ، موازی یک دوم دانگ مشاع از نیم دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین محصور با دیوار بلوکی که ضلع جنوبی آن تبدیل به تعدادی مغازه تجاری گردیده و پشت مغازه ها نیز یک باب انباری احداث شده پلاک ثبتی ۲ فرعی از ۱۳۳ ق ۴ بخش ۷ فارس کازرون به مساحت ششدانگ ۵۰۸/۴۱ متر مربع واقع در کازرون بلوار ملت نرسیده به خوابگاه دانشگاه آزاد سمت راست که ذیل ثبت ۴۳۳۳ صفحه ۴۳۷دفتر ۱۲۰ به ثبت رسیده و سند مالکیت صادر گردیده است. محدود به این حدود: شمالا به طول یکصد و بیست ویک متر و بیست صدم متر به جاده ۱۲ متری جنوبا به طول یکصد و چهارده متر پی است به پلاک ۴ فرعی از ۱۳۳ شرقا به طول یکصد و بیست و دو متر وسی صدم متر به جاده چهل و پنج متری غربا به طول نود و چهار متر پشته های قنات کهنه بلکتک ملکی آقای محمدرضا خواجه فرزند شهریار به شماره ملی ۲۳۷۰۷۱۶۷۸۹ متولد ۱۳۴۴ شمسی که پلاک مزبور توسط کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی ودر قبال طلب بستانکار و نیم عشراجرایی وحق حراج از ساعت ۹ الی ۱۲ روز چهارشنبه مورخه ۱۳۹۶/۱۲/۱۶ در محل اجرای ثبت اسناد کازرون از طریق مزایده به فروش میرسد. مزایده از مبلغ ۹۱۵/۱۵۰/۰۰۰ ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی از طرف خریدار نقدا فروخته خواهد شد و چنانچه روز مزایده مصادف با تعطیل رسمی غیر مترقبه گردد، مزایده روز اداری پس از تعطیل در همان محل و ساعت انجام می شود و حقوق دولتی و حق مزایده طبق مقررات وصول خواهد شد. بدهی های احتمالی و سایر هزینه های قانونی دیگر که تعلق بگیرد مشخص نیست و چنانچه از این بابت تا روز فروش بدهی داشته باشد به عهده برنده مزایده خواهد بود.(این آگهی در یک نوبت در روزنامه طلوع چاپ کازرون منتشر و در معابر عمومی نیز الصاق میگردد)
تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۱۱/۲۸ ۶/۲۰۹۶ ۱۶۱۷/ م الف

معاون اجرای واحد اجرای اسناد رسمی کازرون –علی رضا رجبی